

تدابیر امام حسن عسکری علیه السلام برای حفظ جان فرزندش

حمیدرضا مطهری^۱

لیلا شریفی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۵

چکیده

یکی از مهم‌ترین نکات در زندگی امام حسن عسکری علیه السلام تلاش و تدابیر آن حضرت برای حفظ فرزند و جانشین‌شان حضرت مهدی علیه السلام بود. شرایط دشواری که خلافت عباسی برای آن امام همام ایجاد کرده بود و دشواری ارتباط با شیعیان ایجاب می‌کرد تا برنامه مناسبی برای حفظ جان حضرت مهدی علیه السلام طراحی و اجرا شود. این نوشتار بر آن است تا راهکارهای امام حسن عسکری علیه السلام برای این مهم را به روش وصفی تاریخی و با بهره‌گیری از منابع متقدم تبیین نماید. امام یازدهم برای دفع خطر از فرزندش تدابیر ارزشمندی را اندیشیده و برنامه دقیقی را طراحی کردند که قبل از تولد فرزندش تا زمان شهادت خودشان و حتی بعد از آن در برگرفت و بدین وسیله خطر را از ایشان دور کردند. مخفی نگه داشتن بارداری همسر، پنهان بودن تولد، عقیده توسط دیگران، حضور مستمر در دربار عباسیان و معرفی جانشین خود بدون ذکر نام، تغییر محل سکونت امام مهدی علیه السلام و نهی از سؤال از نام ایشان از اقدامات آن حضرت بود. واژگان کلیدی: تدابیر، امام حسن عسکری علیه السلام، حفظ جان امام مهدی علیه السلام.

مقدمه

امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین امام شیعیان در ربیع‌الثانی سال ۲۳۲ در مدینه به دنیا آمدند. بیشتر عمر آن حضرت در سامرا و تحت مراقبت شدید خلفای عباسی گذشت. دوران

۱. دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (h.motahari@isca.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام (نویسنده مسئول) (l.sharifi.1395@gmail.com).

امامت آن حضرت ۶ سال بود که هم‌زمان بود با خلافت سه تن از خلفای عباسی، معتز (۲۵۲-۲۵۵)، مهتدی (۲۵۵-۲۵۶) و معتمد (۲۵۶-۲۷۹) که همواره امام را تحت فشار و تنگنا قرار می‌دادند که این مسئله به خاطر روایاتی بود که خبر از مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه داده بود که حکومت ظلم را نابود می‌کند. امام عسکری علیه السلام چون جان فرزندشان را در خطر می‌دیدند تدابیری اتخاذ کردند که از ایشان محافظت نمایند که در گزارش‌های تاریخی که در منابع آمده به آنها اشاره شده است. برخی از تدابیر امام به قبل از تولد فرزندش بر می‌گردد و برخی هم مربوط می‌شود به پس از تولد ایشان. تا آن جا که ما بررسی کردیم این تدابیر به صورت جسته و گریخته در منابع ذیل زندگانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه یا امام عسکری علیه السلام آمده است و سعی ما در این مقاله این است که به صورت مبسوط و کامل تر آن را بیان نمائیم.

اقدامات عباسیان و سخت‌گیری آنان بر امام عسکری علیه السلام

امام عسکری علیه السلام از زمانی که وارد سامرا شدند همواره تحت مراقبت شدید دستگاه خلافت بودند چه زمانی که پدرشان امام هادی علیه السلام زنده بودند چه پس از شهادت پدر بزرگوارشان، مراقبت‌ها آن قدر شدید بود که نگهبانانی برای خانه حضرت قرار داده بودند که شبانه‌روز مراقب بودند و رفت و آمدهای خانه حضرت را کنترل می‌کردند (شیخ حسین بن عبدالوهاب، بی‌تا: ۱۳۷؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق: ج ۷، ۶۰۲) و دیگر این که امام عسکری علیه السلام هفته‌ای دو بار باید در دربار حاضر می‌شد و اعلام حضور می‌کرد. (طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۲۹) خلفای عباسی همواره ایشان را در حصر نگه داشته و تمام رفتارهای حضرت را کنترل می‌کردند به طوری که در منابع گزارش‌های آن آمده است. در عهد مهتدی (۲۵۵-۲۵۶) و معتمد (۲۵۶-۲۷۹) افرادی سخت‌گیر مانند نحیر (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۵۱۳؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۲۴؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق: ج ۷، ۵۶۲؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۱۸) علی بن جریر (سیدبن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۲۷۴؛ مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۵۲)، صالح بن وصیف (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۳۴؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۱۴۰)، علی بن اوتاش (سیدبن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۴۲۸) بر امام سخت‌گیری می‌کردند و او را اذیت می‌کردند و حتی معتز (۲۵۲-۲۵۵) به سعید حاجب دستور قتل حضرت را داد. (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۴۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۳۱؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۲۵)

علت این همه سخت‌گیری و مراقبت، محبوبیت ائمه علیهم السلام نزد مردم، ترس دستگاه خلافت از

قدرت یافتن آنها و از همه مهم تر این که خلفای عباسی با توجه به روایات متواتر که در باب مهدویت بیان شده بود و این که مهدی موعود علیه السلام از نسل ائمه علیهم السلام می باشد و حکومت جور را ریشه کن می کند همواره در پی دست یابی به حضرت صاحب الامر علیه السلام بودند. (ابن صباغ مالکی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۰۹۱) لذا هر چه به عصر امام عسکری علیه السلام نزدیک تر می شدند، سخت گیری ها و کنترل ها بیشتر می شد تا بتوانند مهدی موعود علیه السلام را شناسایی یا مانع از تولد او شوند. شاهد این مطلب سخن خود امام عسکری علیه السلام است که پس از تولد فرزندش فرمود:

ستمگران گمان بردند می توانند مرا بکشند و نسل من را قطع کنند. (خزاز قمی، ۱۴۰۱ق:

۲۹۳)

آنها حتی در دوران بیماری امام عسکری علیه السلام عده ای از درباریان را در خانه حضرت مستقر کردند. (ابن صباغ مالکی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۰۸۸؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۱۸) به قصد جاسوسی در خانه حضرت اگر چه در اذهان عمومی القا می کردند که برای مراقبت از حضرت این کار را می کنند و پس از شهادت امام عسکری علیه السلام نیز به بازرسی خانه حضرت و شناسایی زنان باردار و کنیزان او پرداختند تا شاید به فرزندش دسترسی پیدا کنند. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۷۶)

در مقابل سیاست ها و سخت گیری عباسیان، امام با به کارگیری روش های مختلف در حفظ و حراست از فرزند خویش کوشیدند و مانع دست یابی دشمنان به او شدند.

تدابیر امام عسکری علیه السلام برای حفظ جان فرزندش

۱. مخفی نگه داشتن بارداری همسر خویش

یکی از تدابیر امام برای اختفای فرزندش مخفی نگه داشتن بارداری نرجس خاتون (مادر امام زمان علیه السلام) بود به گونه ای که هیچ کس از این مسئله آگاهی نداشت. حتی عمه امام عسکری علیه السلام (حکیمه) هم از این موضوع بی اطلاع بود و زمانی که امام از ایشان خواستند نزد آنها بماند که خداوند فرزندی به آنها عطا می کند ایشان تعجب کردند و پرسیدند مادرش کیست و گفتند من اثری از بارداری در نرجس خاتون ندیده ام. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۲۴؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۲۱۴؛ مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۵۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۴؛ شیخ حسین بن عبدالوهاب، بی تا: ۱۳۹) این گزارش دلالت بر عدم اطلاع او از بارداری نرجس دارد. این نشان دهنده اوضاع و شرایط سخت و خطرناکی است که امام در آن قرار دارد و این مسئله را

تا آن زمان از ایشان هم مخفی می‌کند. در حالی که طبق گزارش منابع، نرجس از کنیزان حکیمه بوده (شیخ حسین بن عبدالوهاب، بی تا: ۱۳۸؛ مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۵۷) یا حداقل برای مدتی به امر امام هادی علیه السلام در خانه او و تحت تعلیم ایشان بوده است. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۲۳) امام اگر می‌خواستند این مسئله را زودتر به ایشان اطلاع دهند قطعاً این کار را می‌کردند در حالی که این امر را تا شب ولادت فرزند خویش به او اطلاع نداده بودند. پس قطعاً اهدافی از این کار داشتند که مهم‌ترین آن حفظ جان فرزندش بوده است، چون ممکن بود این خبر دهان به دهان شود و دیگران هم مطلع شوند، پس طبیعی است که امام این مسئله را از اغیار به طریق اولی مخفی کند.

۲. مخفی نگه داشتن ولادت حضرت صاحب الامر علیه السلام

از جمله تدابیر امام عسکری علیه السلام این بود که ولادت فرزندش را از دیگران پنهان کردند. اگرچه مرسوم است که وقتی کسی صاحب فرزند می‌شود، اقوام و خویشان و نزدیکان از این مسئله باخبر می‌شوند و در موقع وضع حمل حداقل یک قابله یا زنان نزدیک برای کمک به وضع حمل زن باردار حضور می‌یابند. اما زمان و مکان ولادت امام عصر علیه السلام بر همگان مخفی بود و فقط عده معدودی مانند عمه امام عسکری علیه السلام و خادمان حضرت از این موضوع مطلع بودند که این مخفی‌کاری با وجود سخت‌گیری‌ها و کنترل رفت و آمدهای منزل امام امری طبیعی و امام عسکری علیه السلام را بر آن داشت تا تولد فرزندش را مخفی نماید. (شبروی، ۱۴۲۳ق: ۳۶۹) البته همین مخفی نگه داشتن ولادت حضرت باعث اختلاف نظر در مورد زمان و حتی مکان ولادت ایشان شده است^۱ که امام برای آن هم تدابیری اندیشیده بودند از جمله این که فرزندشان را به برخی یاران خود نشان دادند و یا خبر ولادت ایشان را به خواص و معتمدین دادند.

۱. منابع مختلف سال ولادت حضرت را متفاوت نقل کرده‌اند:

- اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ۹۴۱: ۲۳ رمضان سال ۲۵۸، در سامرا.

- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ۳۳۹: ۱۵ شعبان سال ۲۵۵.

- جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ۱۱۸ به نقل از اثبات الوصیه: سال ۲۵۶.

- محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ۵۰۲: ۲۷ شعبان سال ۲۵۷.

۳. واگذاری امر عقیقه برای فرزندش به اصحابش

عقیقه کردن یکی از سنت‌های حسنه‌ای است که در روایات بر آن تأکید شده است و امامان خود نیز برای فرزندان‌شان این کار را می‌کردند. اما در زمان امام عسکری علیه السلام از آن جا که ایشان قصد داشتند کسی خصوصاً خلفای عباسی از تولد فرزندش آگاه نشود زمانی که خواستند برای ایشان عقیقه کنند خود این کار را انجام ندادند و آن را به برخی از اصحاب خود محول کردند که گزارش‌های متعدد به آن اشاره کرده‌اند. مسعودی از ابراهیم بن ادريس روایت کرده که امام حسن عسکری علیه السلام دو رأس قوچ نزد او فرستاد و نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم، این دو رأس قوچ را برای مولای خود (حضرت مهدی علیه السلام) عقیقه کن و خدا برای تو گوارا کند و به برادران خود هم اطعام کن» من هم امر امام را اطاعت کردم. (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۶۱) صدوق هم می‌گوید امام به ابو عمرو دستور داد نان و گوشت تهیه و بین بنی‌هاشم تقسیم کند و چند گوسفند هم عقیقه نماید. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۱)

۴. دادن خبر ولادت فرزندش به برخی از خواص

امام عسکری علیه السلام که ولادت فرزند خویش را از بیم جان ایشان از همگان مخفی نموده بود بعدها خبر ولادت فرزند خویش را به برخی از یاران خاص خود می‌دهد چون مخفی نگه داشتن ولادت حضرت باعث حیرت و سرگردانی شیعیان در آینده می‌شد ولی باز به آنها هم تأکید می‌کند که این خبر را مخفی نگه دارند. ایشان به صورت حضوری یا مکاتبه‌ای این خبر را به آنها می‌دهد. در نامه‌ای که امام به احمد بن اسحاق می‌نویسد به او می‌گوید:

فرزندی برای ما متولد شده آن را از همه مردم مخفی بدار که ما آن را جز به دوستان خویش اظهار نکنیم خواستیم خبر را به تو اعلام کنیم تا خدا همان طور که ما را شاد کرد تو را هم شاد کند. (همان: ۴۳۴)

گزارش حسن بن منذر از حمزه بن ابی‌الفتح (همان) که فردای تولد حضرت خبر تولد او را می‌دهد و تأکید امام بر مخفی نگه داشتن آن را هم بیان می‌کند.

۵. معرفی و نشان دادن فرزندش به اصحاب خاص و مورد اطمینان خود

امام از همان اوایل ولادت فرزندش تمهیداتی را به کار برده بود تا هم جان فرزندش را حفظ کند و هم شیعیان را پس از خود از حیرت و انحراف نجات دهد لذا در موقعیت‌های متعدد ایشان را به برخی از یاران و اصحاب خاص خود مانند عمرو اهوازی و ابونصر خادم (طوسی)،

۱۴۱۱ق: ۲۴۶) نشان داد و آنها را به پنهان نگه داشتن این دیدار امر کرد.

از ابو غانم خادم روایت شده که امام عسکری علیه السلام در روز سوم ولادت فرزندش ایشان را به برخی از اصحابش نشان داد و او را به عنوان امام و جانشین خود که زمین را پر از قسط و عدل می‌کند معرفی نمود. (همان: ۴۳۱) در جای دیگر احمد بن اسحاق در دیدارش با امام عسکری علیه السلام در مورد جانشین ایشان می‌پرسد که امام فرزندش را به او نشان می‌دهد و می‌گوید:

اگر گرامی نبودی فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم پس آن را پنهان کن که این امری الهی و سری ربوبی و غیبی است. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۸۴)

در گزارش دیگری امام در جلسه‌ای که چهل نفر از اصحاب به دیدارش می‌آیند فرزندش را به آنها نشان می‌دهد که نام برخی از این اصحاب بیان شده مانند علی بن بلال، احمد بن هلال، حسن بن ایوب بن نوح، محمد بن عثمان بن عمری و محمد بن معاویه بن حکیم و فرزندش را به عنوان امام و جانشین خود معرفی می‌کند. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۷؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۵؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۴۳۱) گزارش‌های دیگری نیز مانند گزارش ابونصر خادم (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۴۶) و یعقوب بن منقوش (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۰۷؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۹۵۸) در همین خصوص وجود دارد.

۶. معرفی جانشین خود بدون ذکر نام و با دادن نشانه

در راستای تدابیر امام عسکری علیه السلام، آن حضرت در ضمن نامه‌هایی که به دوستان و اصحاب و وکلای خود می‌نویسد یا در مواردی که برخی از یاران حضرت از او مورد امام پس از ایشان می‌پرسند، حضرت بدون این‌که نامی از فرزندش ببرد یا او را با اسم و کنیه بخواند با دادن نشانه‌هایی به یارانش مانع از گمراهی آنها می‌شود و کمک می‌کند که امام زمان علیه السلام خود را بشناسند. البته این تدبیر امام از آن جهت بود که اگر نامی از فرزندش می‌برد جان حضرت به خطر می‌افتاد لذا در موارد متعدد با دادن نشانی ایشان را معرفی می‌کند. شیخ صدوق در این باره نقل می‌کند:

امام عسکری علیه السلام اواخر عمر مبارک‌شان خبر از مرگ خود می‌دهند و در پاسخ ابوالادیان که از جانشینش سؤال می‌کند نشانه‌هایی می‌دهد که او را بشناسند و می‌گوید: کسی که بر من نماز بخواند و پاسخ نامه‌های شما را بدهد و از آنچه در همیان (کیسه) که دست شماست خبر دهد، او جانشین من است. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۷۵؛ قندوزی، ۱۴۲۲ق: ج ۳،

۳۲۵: بحرانی، ۱۴۱۳ق: ج ۷، ۶۱۱؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۱۰۱؛ شیخ حرعاملی،
۱۴۲۵ق: ج ۵، ۱۰۲)

۷. تغییر محل اقامت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الیک

یکی از راهبردهای امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الیک برای حفظ جان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک تغییر محل اقامت ایشان بود. شیخ صدوق نقل می‌کند:

امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الیک چهل روز پس از این‌که فرزندش به دنیا آمد او را به مکانی نامعلوم فرستاد و سپس او را به مادرش بازگرداند. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۴۲۹؛ محدث نوری،
۱۳۸۴ق: ج ۱، ۷۲)

از آن‌جا که فشارها و سخت‌گیری‌ها بر امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الیک افزایش یافته بود و جاسوسان اخبار خانه حضرت را به دستگاه خلافت گزارش می‌دادند و بیم دستیابی به فرزندش وجود داشت، ایشان در سال ۲۵۹ قبل از رحلت خود از مادرش درخواست کرد تا به حج مشرف شود او اوضاع و حوادثی را که پس از خودش رخ می‌دهد برای مادرش شرح داد و پسرش را با او به همراه احمدبن محمدبن مطهر به عنوان محافظ آنها به مکه فرستاد (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۵۶) تا از سامرا و چشم عباسیان دور باشد. ممکن است برخی بگویند این خبر با حضور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الیک در زمان شهادت پدر در سامرا سازگاری ندارد، در حالی که این‌طور نیست چون همان‌طور که ما برای رفتن حضرت به مکه گزارش داریم برای حضور ایشان در سامرا در زمان شهادت پدر بزرگوارشان نیز گزارش‌هایی وجود دارد از جمله گزارش ابوالادیان (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۷۵؛ قندوزی، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ۳۲۵؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق: ج ۷، ۶۱۱؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۱۰۱) و ابوالحسن علی بن سنان موصلی (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۷۷) که خبر از نماز خواندن حضرت بر پدرشان دارد و همچنین دریافت وجوهات اهالی قم توسط ایشان را اثبات می‌کند. حال اگر در منابع گزارشی از سفر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الیک از مکه به سامرا نیامده باشد دال بر عدم حضور امام در سامرا نیست چه بسا این خبر نیز مانند بسیاری از وقایع تاریخی ثبت و ضبط نشده باشد، از طرفی از نظر کلامی نیز برای شخص امام امر بعیدی نیست که بتواند در یک چشم بر هم زدن از مکه به سامرا بیاید.

۸. حاضر شدن امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الیک در دربار خلفای عباسی

خلفای عباسی همواره بر امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الیک سخت‌گیری می‌کردند به طوری که چندین بار

ایشان را به زندان انداختند و امام را بارها به دربار احضار می‌کردند به گونه‌ای که امام هفته‌ای دوبار دوشنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها باید در دربار حاضر می‌شد. (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۷۸۲؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۲۹؛ شامی، ۱۴۲۰ق: ۷۳۸) این احضار امام به خاطر علاقه و دوستی عباسیان با او نبود بلکه به خاطر کنترل بیشتر امام بود این احتمال دور از ذهن نیست که رفتن امام به دربار به خاطر حفظ جان فرزندش بوده چون در گزارش‌های متعدد داریم که وقتی دستگاه خلافت امام را احضار می‌کرد ایشان از این کار اکراه داشته‌اند (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۷۸۳) و برایشان سخت بوده است (طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۳۰؛ شامی، ۱۴۲۰ق: ۷۳۸) ولی با این حال امام به آن جا می‌رفتند چون اگر امام از رفتن امتناع می‌کردند احتمال حضور مأموران حکومتی در خانه حضرت دور از انتظار نبود و اگر آن جا رفت و آمد می‌شد و آن جا را تفتیش می‌کردند به فرزندش دست می‌یافتند لذا امام هرچند با اکراه اما به دربار می‌رفت تا از این مسئله جلوگیری کند و جان فرزندش را حفظ کند.

۹. تحریم و نهی سؤال از نام امام یا بردن نام امام

در اخبار و روایات متعدد از ائمه پیشین از بردن نام حضرت نهی شده است مانند: «حلال نیست برای شما که او را به نام بخوانید» (شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۱۰۷؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۲۰؛ کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۳۳۳) یا «بردن نام او روا نیست تا آن که قیام کند و زمین را پر از عدل و داد گرداند چنان که پراز ظلم و جور شده بود» (مجلسی، ۱۳۶۳ش: ج ۵۱، ۳۲) یا «جز کافر کسی او را به نام نمی‌خواند» (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۴۸) یا «جسمش دیده نشود و به نامش خوانده نشود» (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۶۶) و در مواردی او را با نام‌هایی مانند صاحب، ناحیه مقدسه، غریب و... نام می‌بردند که رمز بین شیعیان بود و برای تقیه این کار را می‌کردند. (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۶۲) این تدبیری بود که توسط ائمه علیهم‌السلام قبل هم اندیشیده شده بود تا جان حضرت از خطر دشمنان حفظ شود. در عصر امام عسکری علیه‌السلام هم این روش ادامه داشت و حضرت در جواب سوال برخی اصحاب نام و کنیه حضرت حجت علیه‌السلام را می‌گفتند اما تأکید بر پنهان داشتن آن و حتی تحریم بردن نام و کنیه ایشان داشتند. در روایتی از کتاب *الغیبه* فضل بن شاذان که *مستدرک الوسائل* آن را نقل کرده آمده که محمد بن عبدالجبار از امام عسکری علیه‌السلام می‌پرسد یا بن رسول الله فدای تان شوم دوست دارم بدانم امام و حجت خدا بر بندگان پس از شما کیست، امام فرمودند:

امام و حجت خدا بعد از من پسر من است که نامش نام رسول خدا و کنیه اش خاتم حجت های خدا و خلفایش است و حلال نیست برای احدی که او را با نام یا کنیه اش قبل از خروجش بنامد. (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲، ۲۸۰)

در روایت دیگری از ابراهیم بن محمد بن فارسی نیشابوری نیز امام عسکری علیه السلام حرمت بردن نام و کنیه حضرت حجت علیه السلام را بیان می کند. (همان: ۲۸۱)

۱۰. وصی قرار دادن مادرش و عدم یادکردن از فرزندش در وصیت نامه

امام عسکری علیه السلام در اواخر عمر خود موقوفات و اموالی که نزدش بود را به مادر خود سپرد و او را وصی خود نهاد. ایشان نه تنها ظاهراً فرزندش را وصی خود قرار نداد بلکه در این وصیت نامی از فرزند خود نیز نبرد. (مفید، ۱۴۱۳ق ب: ۶۹) ایشان با این کار قصد داشتند از حساسیت عباسیان نسبت به فرزند خود بکاهند تا به جست و جوی او نپردازند چون آنها با دیدن وصیت وقتی نامی از فرزند ایشان نبود فکر می کردند حضرت فرزندی ندارد که به مادرش وصیت کرده است و اگر فرزندی داشت قطعاً به او وصیت می کرد و با این کار امام، دشمنان فریب خوردند. این گونه تدابیر ائمه علیهم السلام در گذشته هم سابقه داشته است زمانی که امام صادق علیه السلام در وصیت نامه خود منصور خلیفه عباسی، ربیع (از ندیمان منصور)، قاضی منصور، همسرش حمیده، و امام کاظم علیه السلام را وصی خود معرفی می کند و توطئه عباسیان (کشتن وصی امام) خنثی می شود (مفید، ۱۴۱۳ق ب: ۷۱؛ سید محسن امین عاملی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۶۷۷) با این تفاوت که امام صادق علیه السلام نام فرزندش را هم ردیف سایر افراد می آورد و امام عسکری علیه السلام اصلاً نامی از فرزندش نمی برد، اما در هر دو صورت این کارها به خاطر یک چیز است و آن حفظ جان امام پس از خودشان است.

گزارش مسعودی نیز این خبر را تأیید می کند وی به نقل از احمد بن ابراهیم که از عمه امام عسکری علیه السلام می پرسد شیعه باید در دوران غیبت به چه کسی رجوع کند می گوید که ایشان فرمودند باید به مادر امام اقتدا شود و در جواب احمد بن ابراهیم که گفت آیا یک زن وصی امام است ایشان می فرمایند همان طور که امام حسین علیه السلام برای تقیه و پنهان داشتن امام سجاد علیه السلام ظاهراً حضرت زینب را وصی خود قرار داد امام عسکری علیه السلام نیز این کار را کردند (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۷۱). این روایت به خوبی نشان می دهد که امام عسکری علیه السلام در واقع برای کاهش حساسیت عباسیان و حفظ جان فرزندش مادرش را وصی خویش قرار می دهد.

نتیجه‌گیری

خلفای عباسی همواره برائمه علیهم‌السلام و شیعیان سخت‌گیری می‌کردند و آنها را در تنگنا قرار می‌دادند گزارش‌های منابع حاکی از آن است که این کنترل‌ها و فشارها در عصر امام عسکری علیه‌السلام به اوج خود می‌رسد که از عمده دلایل آنها برای این کار دست‌یابی به فرزند ایشان بوده است چون حکومت خود را در خطر نابودی می‌دیدند لذا قصد جان مهدی موعود علیه‌السلام را کرده بودند، به همین خاطر امام عسکری علیه‌السلام وقتی که جان فرزندشان را در خطر دیدند جهت محافظت از فرزند خود تدابیری اتخاذ کردند تا این‌که نقشه عباسیان را خنثی کنند. به همین خاطر بارداری همسرش و تولد فرزندش و محل اقامت او را مخفی نمود و در نام‌گذاری حضرت تدابیر ویژه‌ای اندیشید و مادر خویش را وصی خود نمودند.

منابع

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، تهران، اسلامیه.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *المناقب*، قم، علامه.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ق)، *مهج‌الدعوات و منهج‌العبادات*، قم، دارالذخائر.
۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۱ق)، *کشف‌الغمة فی معرفة الأئمة*، قم، رضی.
۵. امین عاملی، سید محسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان‌الشیعة*، بیروت، دارالتعارف.
۶. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۳ق)، *مدینه معاجز الأئمة الاثني عشر و دلائل الحجج علی البشر*، قم، مؤسسه المعارف‌الاسلامیه، اول.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، *اثبات‌الهدی بالنصوص والمعجزات*، بیروت، اعلمی.
۸. خزاز، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثني عشر*، قم، بیدار.
۹. راوندی، قطب‌الدین سعید بن عبدالله (۱۴۰۹ق)، *الخرایج والجرایح*، قم، مدرسه‌الامام مهدی علیه‌السلام.
۱۰. شامی، جمال‌الدین یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ق)، *درالنظیم فی مناقب الائمة اللهمم*، قم، جامعه مدرسین.
۱۱. شبراوی، جمال‌الدین (۱۴۲۳ق)، *الاتحاف بحب‌الاشراف*، قم، دارالکتاب.
۱۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۲۲ق)، *منتخب‌الأثر فی أحوال الإمام الثاني عشر فرجه‌الشریف*، قم،

دفتر مؤلف.

۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۱۴. طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق)، دلائل الامامه، قم، بعثت.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، الغیبه، قم، دارالمعارف الإسلامية.
۱۶. عبدالوهاب شعرانی، حسین بن (بی تا)، عیون المعجزات، قم، مكتبة الداوری.
۱۷. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، ینابیع المودة لدوالقربی، قم، اسوه.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، الکافی، تهران، اسلامیه.
۱۹. مالکی، علی بن احمد بن عبدالله (۱۴۲۲ق)، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة عليه السلام (م ۸۵۵ق)، قم، دارالحديث.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳ش)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، اسلامیه.
۲۱. محدث نوری، حسین (۱۳۸۴ق)، نجم الثاقب فی أحوال الإمام الغائب، قم، مسجد مقدس جمکران.
۲۲. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶ق)، اثبات الوصیه للإمام علی بن ابیطالب، قم، انصاریان.
۲۳. نعمان، محمد بن محمد بن (۱۴۱۳ق الف)، فصول العشره، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۴. نعمان، محمد بن محمد بن (۱۴۱۳ق ب)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۵. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.